

بررسی ساخت موصولی فارسی و فرانسه بر پایه تعامل رده‌شناسی و تحلیل مقابله‌ای

مقاله پژوهشی

حامد مولایی کوهینانی^۱

استادیار گروه زبان‌شناسی و مطالعات ترجمه، دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان، رفسنجان، ایران

چکیده

ساخت موصولی همواره مورد توجه رده‌شناسان و متخصصان آموزش زبان دوم بوده است. تأثیر ویژگی‌های ساخت موصولی بر تعیین رده زبانی و همچنین مشکلات زبان‌آموزان در فراگیری ساخت موصولی زبان مقصد، به ترتیب، عمده‌ترین دلایل چنین توجهی به ساخت موصولی هستند. در پژوهش حاضر به دنبال آن هستیم تا با تکیه بر معیارهای رده‌شناختی و با هدف تسهیل یادگیری فرانسه برای فارسی‌زبانان، تحلیلی مقابله‌ای از ساخت موصولی فارسی و فرانسه ارائه دهیم. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که هر دو زبان دارای ساخت موصولی هسته‌بیرونی/پیش‌اسمی هستند که طبق آن بند موصولی، به عنوان بندی درونه، داخل بند اصلی و پس از هسته قرار می‌گیرد. رفتار دو زبان نسبت به سلسله‌مراتب دسترسی گروه اسمی نیز تا حد زیادی مشابه است. نشانه موصول، راهبردهای موصولی‌سازی و نحوه استفاده از فرآیند نحوی خروج بند موصولی از مهم‌ترین موارد افتراق دو زبان هستند. درحالی‌که فارسی تنها یک متمم‌نما را به عنوان نشانه موصول دارد، فرانسه ۶ تکرار آزاد را به عنوان ضمیر موصولی یا متمم‌نما در این جایگاه به کار می‌برد. فارسی از راهبردهای حفظ ضمیر و خلأ استفاده می‌کند، درحالی‌که فرانسه تنها از راهبرد ضمیر موصولی بهره می‌برد. در رابطه با فرآیند خروج بند موصولی نیز محدودیت‌های فرانسه بیش از فارسی است. ویژگی‌های نحوی و معنایی هسته، محدودیتی بر خروج بند موصولی فارسی ایجاد نمی‌کند، درحالی‌که بند موصولی فرانسه برای حرکت به جایگاه پس فعلی محدودیت‌هایی دارد؛ علاوه بر این، بسامد کاربرد بند موصولی در فرانسه به عنوان یک عادت زبانی بیش از کاربرد آن در فارسی است.

کلیدواژه‌ها: رده‌شناسی، تحلیل مقابله‌ای، ساخت موصولی، فارسی، فرانسه.

¹. E-mail: H.molaei@vru.ac.ir DOI: <https://doi.org/10.22067/RLTF.2022.71772.1021>
<https://orcid.org/0000-0001-7980-8472>

۱. مقدمه

رده‌شناسی زبان^۲ و تحلیل مقابله‌ای^۳ دو زیرشاخه از زبان‌شناسی مقابله‌ای^۴ محسوب می‌شوند. هدف هر دوی آنها، همسو با هدف زبان‌شناسی مقابله‌ای، بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود میان زبان‌های دنیاست. با این حال، راه رسیدن به این هدف و کاربرد نتایج حاصل، باعث تمایز این دو زیرشاخه می‌شود (البرزی و رئیسی، ۱۳۸۸: ۵۸). رده‌شناسی زبان با تأکید بیشتر بر شباهت میان زبان‌ها، به مقایسهٔ ساخت‌های زبانی گسترهٔ زیادی از زبان‌ها می‌پردازد تا آنها را در رده‌های زبانی مختلف قرار دهد. این در حالی است که تحلیل مقابله‌ای با تأکید بیشتر بر تفاوت‌های دو زبان به مقایسهٔ ساختار آنها می‌پردازد تا بهترین شیوه برای آموزش زبان دوم را فراهم کند. مایر^۵ (۲۰۱۸) در همین زمینه عقیده دارد که فیزیاک^۶ (۱۹۷۱) نخستین بار بین زبان‌شناسی مقابله‌ای کاربردی^۷ و زبان‌شناسی مقابله‌ای نظری^۸ تمایز قائل شد. این تمایز باعث شد تا به مرور شاخهٔ زبان‌شناسی مقابله‌ای کاربردی به تحلیل مقابله‌ای تبدیل شده و زبان‌شناسی مقابله‌ای نظری، به‌عنوان نسخه‌ای تقلیل‌یافته از رده‌شناسی، شباهت‌های زبان‌ها را واکاوی کند. او می‌گوید در سال‌های اخیر پژوهش‌های نظری زیادی در حوزهٔ تحلیل مقابله‌ای از جنبهٔ رده‌شناختی صورت گرفته که می‌تواند برای مدرسان و زبان‌آموزان زبان خارجی مفید باشد. رامات^۹ (۲۰۰۸) نیز بیان می‌کند که در سال‌های اخیر یافته‌های رده‌شناسی نقش مهمی در آموزش زبان دوم ایفا کرده‌اند. در نتیجه می‌توان گفت که نوعی تعامل میان رده‌شناسی زبان و تحلیل مقابله‌ای ایجاد شده است؛ به عبارت دیگر، معیارهای رده‌شناختی را می‌توان مبنای مقایسهٔ دو زبان در نظر گرفت تا از این طریق بتوان وجوه افتراق زبان مادری و زبان مقصد را مشخص کرد و به تسهیل فرآیند یادگیری زبان دوم کمک کرد.

زبان فرانسه یکی از زبان‌های خارجی پرطرفدار در جامعهٔ ایران است و علاقه‌مندان زیادی در پی یادگیری این زبان در سطوح دانشگاهی و آموزشگاهی هستند. این در شرایطی است که برخی تفاوت‌های نوشتاری و ساختاری دو زبان، یادگیری فرانسه را برای زبان‌آموزان فارسی‌زبان تا حد زیادی دشوار کرده است. آشنایی اصولی و صحیح قواعد دستوری هر زبانی، نقش بسیار مهمی در فرآیند یادگیری آن زبان ایفا می‌کند. کرزسوسکی^{۱۰} (۱۹۹۰) در

^۲ Typology

^۳ Contrastive Analysis

^۴ Contrastive Linguistics

^۵ Mair

^۶ Fisiak

^۷ Applied

^۸ Theoretical

^۹ Ramat

^{۱۰} Krzeszowski

همین زمینه بیان می‌کند که تحلیل مقابله‌ای بر این اصل استوار است که هرچه تفاوت‌های دو زبان در یک ساخت بیشتر باشد، یادگیری زبان مقصد مشکل‌تر می‌شود. در نتیجه واکاوی ساخت‌های دستوری در زبان مقصد و تعیین تفاوت‌های آن با زبان مادری کمک شایانی به یادگیری زبان خارجی می‌کند.

یکی از ساخت‌های چالش‌برانگیز در مطالعات رده‌شناسی، ساخت موصولی^{۱۱} است. ساخت موصولی، یک گروه اسمی مرکب است که از یک هسته (اسم) و یک وابسته (بند موصولی) تشکیل شده است. این دو سازه نیز از طریق یک تگواژ آزاد دستوری (نشانه موصول) به یکدیگر متصل می‌شوند. ویژگی‌های مختلف هرکدام از این سه بخش در زبان‌های دنیا منجر به معرفی جهانی‌های نحوی از سوی رده‌شناسان شده و ساخت موصولی را به یکی از سازه‌های دستوری مهم تبدیل کرده است. پژوهش حاضر نیز به دنبال بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های ساخت موصولی فارسی و فرانسه براساس معیارهای رده‌شناختی و در چهارچوب فرضیه تحلیل مقابله‌ای است. اهمیت این مسئله زمانی افزایش می‌یابد که به نقل قول والز^{۱۲} (۱۹۸۳) مبنی بر اینکه سخت‌ترین بخش دستور زبان فرانسه بند موصولی است، توجه کنیم. برای نیل به هدف اصلی این پژوهش، نگارنده به دنبال پاسخ به این پرسش است که: ویژگی‌های نحوی ساخت موصولی فرانسه در چه سطح دشواری برای زبان‌آموزان فارسی قرار دارند؟

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش حاضر در چهارچوب تحلیل مقابله‌ای به بررسی ساخت موصولی فارسی و فرانسه می‌پردازد. ساخت موصولی زبان‌های فارسی و فرانسه به صورت مجزا (و نه به صورت مقابله‌ای) در آثار مختلفی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. مطالعاتی که به صورت مقابله‌ای روی فارسی و فرانسه انجام پذیرفته‌اند، عمدتاً در حوزه آثار ادبی قرار می‌گیرند. با این حال، برخی پژوهش‌های موجود به بررسی ساخت‌های زبانی فارسی و فرانسه در چهارچوب مقابله‌ای پرداخته‌اند که در ادامه معرفی مختصری از آنها ارائه خواهد شد.

گشمردی و قناعت (۱۳۹۲) در پژوهش خود به بررسی مشکلات زبان‌آموزان ایرانی در راه فراگیری ضمائر ربطی فرانسه به خصوص دو ضمیر *que* و *dont* و تأثیر کاربرد ضمائر ربطی فارسی بر یادگیری صحیح آنها پرداخته‌اند. آنها پس از بررسی پرسش‌نامه‌های طراحی شده به این نتیجه می‌رسند که به‌منظور کاهش بروز خطا باید تفاوت میان افعال متعددی مستقیم و غیرمستقیم و همچنین تفاوت کاربرد ضمائر ربطی فارسی و فرانسه را به خوبی به زبان‌آموزان توضیح داد.

^{۱۱} relative structure

^{۱۲} Walz

پهلوان‌نژاد و رسول‌پناه (۱۳۹۳) نیز در پژوهش خود صفت را در دو زبان فارسی و فرانسه براساس معیارهای ساخت‌واژی و نحوی (بدون گرایش به نظریه زبان‌شناختی خاصی) بررسی کرده‌اند. نتایج بررسی آنها نشان می‌دهد که به لحاظ ساخت‌واژی مهم‌ترین تمایز صفت وجود جنس دستوری در فرانسه و نبود آن در فارسی است. صفت در فرانسه در موارد بسیاری به لحاظ جایگاه پسین یا پیشین بودن با صفت در فارسی سازگاری دارد. برخی صفت‌ها در فرانسه از جمله صفات ملکی در فارسی معادلی ندارند. به نظر آنها از نظر نحوی، صفت‌ها در هر دو زبان دارای نقش وصفی و اسنادی‌اند.

شعیری، ترابی و پریوش (۱۳۹۴) هم به بررسی تطبیقی نمود لحظه‌ای-تداومی در دو زبان فارسی و فرانسه پرداخته‌اند. براساس نتایج این پژوهش فرانسه این نوع نمود را از طریق گروه اسمی و گروه فعلی نشان می‌دهد، درحالی‌که در فارسی نمود لحظه‌ای-تداومی از طریق عناصری همچون افعال مرکب، صفت مفعولی، شکل مجهول فعل و همچنین فعل ربطی + صفت مفعولی بیان می‌شود.

رضایی و کرد زعفرانلو (۱۳۹۷) در پژوهشی واژگان عددی فارسی و فرانسه را در چهارچوب زبان‌شناسی مقابله‌ای مورد مقایسه قرار داده‌اند. نتایج آنها نشان می‌دهد که در هر دو زبان در نظام‌های دهگان صدگان و هزارگان اعداد از دو عمل اصلی ضرب و جمع و یا ترکیب هر دو برای بیان اعداد مرکب استفاده می‌شود و در نظام یکان فارسی و در نظام دهگان فرانسه شاهد اعداد بسیط برای بیان اعداد هستیم. آنها در پایان بیان می‌کنند که در فارسی معدود جمع بسته نمی‌شود؛ ولی در فرانسه به همراه عدد بیش از یک، معدود را نیز جمع می‌بندند.

سوقانی، مدرسی و شعیری (۱۳۹۹) نیز به مطالعه ساخت اسنادی در ترجمه متون فرانسه به فارسی پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهد که به‌رغم اینکه امکان استفاده از ساخت اسنادی شده در هر دو زبان وجود دارد، ۵۸٪ جملات اسنادی شده متون فرانسه در زبان فارسی به صورت غیراسنادی ترجمه شده‌اند و تنها ۴۲٪ این جملات در ترجمه فارسی از ساخت مشابهی برخوردارند. در جملات ترجمه شده به صورت غیراسنادی در فارسی، ۷۰٪ عناصر اسنادی شده جایگاه مبتدا را اشغال کرده‌اند و ۳۰٪ باقی مانده در جایگاه غیرمبتدا نمایان شده‌اند.

براساس بررسی نگارنده، اثری که ساخت موصولی فارسی و فرانسه را به صورت مقابله‌ای مورد بررسی قرار داده باشد، یافت نشد. با توجه به ویژگی‌های ساختاری و بسامد کاربرد این ساخت، تبیین شباهت‌ها و تفاوت‌های این ساخت در فارسی و فرانسه می‌تواند به تسهیل فرآیند یادگیری ساخت موصولی فرانسه کمک کند.

۳. مبانی نظری

در این بخش ابتدا در رابطه با فرضیه تحلیل مقابله‌ای به‌عنوان چارچوب نظری پژوهش حاضر، توضیحات مختصری ارائه خواهد شد. در ادامه، معیارهای رده‌شناختی ساخت موصولی به‌عنوان مبنای اصلی مقایسه فارسی و فرانسه در پژوهش حاضر معرفی می‌شوند.

۳.۱. چهارچوب نظری

تحلیل مقابله‌ای به‌عنوان یکی از زیرشاخه‌های مطالعات مقایسه‌ای زبان‌ها در نیمه اول قرن ۲۰ میلادی معرفی شد. در آن دوره آموزش و ترجمه متون زبان‌های خارجی جایگاه مهمی در مطالعات زبانی پیدا کرده بود. بنابر نظر کرزسوسکی (۱۹۹۰) در دهه ۱۹۴۰ و پس از جنگ جهانی دوم زبان‌شناسان ساخت‌گرا و متخصصان آموزشی تحت تأثیر دیدگاه‌های روان‌شناسی رفتارگرا^{۱۳} روی به معرفی شیوه جدیدی برای آموزش زبان آوردند که با اصول روش آموزش زبان دوم موجود در آن زمان؛ یعنی روش دستور-ترجمه^{۱۴} تفاوت داشت. هدف تحلیل مقابله‌ای از مقایسه زبان‌ها یافتن شباهت‌ها و به‌خصوص تفاوت‌های دو زبان است تا از طریق بررسی آنها آسان‌ترین راه‌های ممکن برای آموزش زبان دوم و یا ترجمه متون دو زبان کشف شود. متخصصان تحلیل مقابله‌ای اعلام می‌کنند که فرآیند انتقال^{۱۵} نقش بسیار مهمی در یادگیری زبان دوم دارد. انتقال می‌تواند به دو صورت انتقال مثبت و منفی باشد. انتقال مثبت به معنی استفاده از عناصر و ویژگی‌های مشترک زبان اول و دوم برای یادگیری بهتر زبان دوم است. این در حالی است که انتقال منفی از نظر تحلیل مقابله‌ای مهم‌ترین عامل بازدارنده در فرآیند یادگیری زبان دوم است. از آنجایی که اصول اولیه تحلیل مقابله‌ای بر پایه روان‌شناسی رفتارگرا شکل گرفته است، هرگونه محرک منفی موجب اختلال در فرآیند یادگیری زبان دوم می‌شود. متخصصان تحلیل مقابله‌ای اعتقاد دارند شباهت‌های دو زبان طی فرآیند انتقال مثبت به فرآیند یادگیری کمک می‌کنند و با توجه به هدف نهایی تحلیل مقابله‌ای که تسهیل فرآیند یادگیری است، نیازی به تمرکز زیاد و کار روی این موارد نیست؛ بلکه توجه اصلی را باید معطوف به تفاوت‌های زبان‌ها کرد تا از طریق یادآوری آنها به زبان‌آموزان و رفع ابهام در رابطه با این تفاوت‌ها فرآیند یادگیری زبان دوم را تسهیل بخشید.

¹³ behaviorism

¹⁴ Grammar Translation Method

¹⁵ Transfer

از طرف دیگر، رده‌شناسی جدیدترین رویکرد در مطالعات مقایسه‌ای زبان‌هاست. کرافت^{۱۶} (۲۰۰۳) در این زمینه عقیده دارد که رده‌شناسی نوین در قرن ۲۰ میلادی و همزمان با معرفی دستور ساخت‌گرایی اروپایی شکل گرفت. در الگوی جدید رده‌شناسی، ساختارهای نظام‌مند زبان به تبعیت از دستور ساخت‌گرایی به‌عنوان معیار تعیین همگانی‌های جهانی و رده‌های زبان‌ها مورد توجه قرار می‌گیرند. طبق نظر رامات (۲۰۰۸) گرین برگ^{۱۷} جزء نخستین رده‌شناسانی است که به‌صراحت به ارتباط رده‌شناسی و یادگیری زبان دوم اشاره می‌کند. گرین برگ (۱۹۹۱) در کتابی با عنوان رویه‌های مخالف در فراگیری زبان دوم و نظریات زبان‌شناختی^{۱۸} می‌گوید رده‌شناسی برپایه مطالعات بین‌زبانی، منبع مهمی برای فرضیه‌های یادگیری زبان دوم محسوب می‌شود. به نظر رامات (۲۰۰۸) این تحلیل نشان می‌دهد که در تعامل رده‌شناسی با زبان‌شناسی مقابله‌ای و یادگیری زبان دوم، گرین برگ نوعی ارجحیت نسبت به رده‌شناسی دارد. با این حال، گرین برگ در ادامه بیان می‌کند که برخلاف عقاید دستور زایشی، تنها استفاده از داده‌های زبان اول برای دستیابی به ظرفیت زبان‌ها مناسب نیست؛ بلکه داده‌های زبان دوم نیز در این رابطه تأثیرگذارند؛ به‌عبارت‌دیگر، او داده‌های زبان دوم را به‌عنوان منبعی برای دستیابی به جهانی‌های رده‌شناسی می‌پذیرد. به نظر می‌رسد که ادعای دوم گرین برگ نشان‌دهنده اهمیت یافته‌های تحلیل مقابله‌ای در مطالعات رده‌شناختی است. از این‌رو، گرین برگ به تعامل دوسویه این شاخه‌ها اشاره دارد. در سال‌های اخیر جهانی‌هایی که در رده‌شناسی معرفی شده‌اند، مبنای مقایسه‌ی زبان‌ها در چهارچوب فرضیه تحلیل مقابله‌ای قرار گرفته‌اند. با توجه به هدف پژوهش حاضر در بخش بعدی به ویژگی‌های جهانی ساخت موصولی اشاره خواهد شد.

۲.۳. ویژگی‌های رده‌شناختی ساخت موصولی

اکثر مطالعات رده‌شناختی روی ساخت موصولی از جنبه نحوی به بررسی سه سازه اصلی هسته، نشانه موصول و بند موصولی می‌پردازند. به نظر فاکس و تامپسون^{۱۹} (۲۰۰۷) هسته، گروه اسمی‌ای است که می‌تواند نقش‌های دستوری مختلف بپذیرد. تظاهر پنهان یا آشکار هسته موجب دسته‌بندی دو نوع بند موصولی هسته‌دار و بدون هسته می‌شود^{۲۰}. در بند موصولی هسته‌دار، نقش دستوری هسته نیز یکی از

^{۱۶} Croft

^{۱۷} Greenberg

^{۱۸} Crosscurrents in Second Language Acquisition and Linguistic Theories.

^{۱۹} Fox & Thompson

^{۲۰}. بسامد کاربرد و اهمیت مطالعه بند موصولی هسته‌دار بیشتر است؛ در این پژوهش نیز عمده مباحث روی این نوع بند موصولی خواهد بود.

معیارهای جهانی برای بررسی ساخت موصولی است. کینان و کامری^{۲۱} (۱۹۷۷) با بررسی حدود ۵۰ زبان، فرضیه سلسله مراتب دسترسی گروه اسمی را براساس نقش دستوری هسته معرفی کرده اند:

فاعل < مفعول مستقیم < مفعول غیر مستقیم < متممی < اضافی < مفعول تفضیلی

بنابر نظر آنها انتخاب این سلسله مراتب نشان دهنده سهولت روان شناسانه درک نیز هست. براین اساس، هرچه موصولی سازی به سمت راست سلسله مراتب حرکت کند، درک آن برای مخاطب مشکل تر خواهد شد. رامات (۲۰۰۸) سلسله مراتب دسترسی گروه اسمی کینان و کامری (۱۹۷۷) را نمونه ای از تعامل رده شناسی و تحلیل مقابله ای می داند. به نظر او پیشینه غنی پژوهش هایی که این فرضیه رده شناختی را برای تحلیل میزان یادگیری و تولید ساخت موصولی زبان دوم روی بسیاری از جفت زبان های دنیا به کار برده اند، تأثیر متقابل رده شناسی و مطالعات مربوط به یادگیری زبان دوم را نشان می دهد.

جایگاه هسته نیز مبنای تقسیم بندی به دو گروه هسته درونی^{۲۲} و هسته بیرونی^{۲۳} می شود. در ساخت هسته درونی، گروه اسمی هسته درون بند و در ساخت هسته بیرونی، گروه اسمی هسته خارج از بند موصولی قرار می گیرند. بندهای موصولی براساس نوع اتصال به هسته نیز دو نمونه متصل^{۲۴} و درونه ای^{۲۵} دارند. بنابر تعریف نیکولاوا^{۲۶} (۲۰۰۶). در بندهای درونه شده، بند موصولی و هسته با هم تشکیل یک گروه اسمی می دهند که می تواند نقش های دستوری همچون فاعل، مفعول ... در جمله بگیرد؛ اما در بندهای متصل، هسته به شکل یک گروه اسمی کامل در بند موصولی ظاهر می شود و سپس در بند پایه نیز به همان شکل و یا به صورت یک ضمیر تکرار می شود. انواع بندهای موصولی هسته دار زبان های دنیا در جدول زیر ارائه شده اند:

جدول ۱- دسته بندی جهانی بندهای موصولی هسته دار

بند درونه ای		بند متصل	جایگاه هسته ↓
میان اسمی		پیش رو	هسته درونی
پیش اسمی	اسمی	پس رو	هسته بیرونی

²¹ Keenan & Comrie

²² internally-headed

²³ externally-headed

²⁴ joined

²⁵ embedded

²⁶ Nikolaeva

پس اسمی			
---------	--	--	--

دومین سازهٔ مهم در مطالعات رده‌شناختی ساخت موصولی، نشانهٔ موصول است. نشانهٔ موصول، هسته را به بند پیرو خود متصل می‌کند. در برخی زبان‌ها وجود این عنصر ضروری است، درحالی‌که در برخی زبان‌های دیگر نشانهٔ موصول در روساخت دستوری به‌صورت نمایان به کار نمی‌رود. مقولاتی همچون جاننداری، شخص و شمار هسته می‌توانند روی انتخاب نشانه‌های موصولی تأثیرگذار باشند (فاکس و تامپسون، ۲۰۰۷: ۲۹۵-۲۹۶).

سومین سازهٔ مهم در ساخت موصولی، بند موصولی نام دارد. بند موصولی همچون صفت نقش توصیف یک گروه اسمی یا ضمیر را دارد (کروگر^{۲۷}، ۲۰۰۵: ۲۳۲). بند موصولی همچون بند پایه می‌تواند دارای اجزاء مستقلی مثل فاعل، مفعول و فعل باشد. همان‌گونه که جدول (۱) نشان می‌دهد، بند موصولی ممکن است به بند اصلی متصل شده یا درون بند اصلی قرار می‌گیرد. نحوهٔ بازنمایی هستهٔ بند اصلی درون بند موصولی نیز معیار دیگری برای مطالعات رده‌شناختی این ساخت است. کینان (۱۹۸۵) در این رابطه، چهار راهبرد موصولی‌سازی جهانی معرفی کرده است. در نخستین راهبرد (خلا)، گروه اسمی هم‌مرجع با هسته در بند موصولی غایب است و بنابراین نوعی خلا ایجاد می‌شود. در دومین راهبرد (ضمیر موصولی)، ضمیری در ابتدای بند موصولی می‌آید که هم نقش جایگزین هستهٔ بند اصلی و هم نقش نشانهٔ موصول را دارد. در سومین راهبرد (حفظ ضمیر)، بند موصولی دارای ضمیری ابقایی هم‌مرجع با هستهٔ بند اصلی است. در چهارمین راهبرد (گروه اسمی کامل)، گروه اسمی که نقش هستهٔ بند اصلی را دارد، عیناً و به‌طور کامل در بند موصولی نیز ظاهر می‌شود.

ترتیب سازه‌ای بند موصولی، معیار دیگری برای بررسی‌های رده‌شناختی است. به نظر لمان^{۲۸} (۱۹۷۳) در اکثر زبان‌های دنیا ترتیب سازه‌ای بند پیرو تفاوتی با بند پایه ندارد، باوجوداین، در برخی زبان‌ها این یک‌دستی رعایت نمی‌شود. آخرین نکته در مورد بند موصولی مربوط به جایگاه آن درون بند اصلی است. براساس نظر دافلر^{۲۹} (۲۰۱۷) در صورتی که بند موصولی پیش از فعل بند اصلی قرار گیرد، بند موصولی چپ‌انشعابی و در صورتی که پس از آن قرار گیرد، بند موصولی راست‌انشعابی نام دارد.

²⁷ Kroeger

²⁸ Lehman

²⁹ Duffeler

۳.۳. تحلیل مقابله‌ای

در مطالعات رده‌شناسی، همواره ساخت موصولی و ترتیب سازه‌ای غالب بند ارتباط مستقیمی با یکدیگر دارند. از این رو، بررسی ترتیب سازه‌ای غالب دو زبان پیش از ورود به بحث ساخت موصولی اهمیت دارد.

۳.۴. ترتیب سازه‌ای فارسی و فرانسه

فارسی باستان به واسطه نظام تصریف قدرتمند، دارای ترتیب سازه‌ای آزاد بوده است؛ اما صورت غالب آن دوران SOV است (ناتل خانلری، ۱۳۷۴: ۴۴۶). شریفی (۱۳۸۷) نیز عقیده دارد که فارسی از دوره باستان تا نو دارای ترتیب سازه‌ای غالب SOV بوده است. این در حالی است که برخی محققان (مرعشی، ۱۹۷۰؛ دبیرمقدم، ۱۳۹۲ و راسخ‌مهند، ۱۳۹۳) از تمایل فارسی نو برای حرکت به سمت زبان‌های SVO صحبت می‌کنند. لحاظ کردن ترتیب سازه‌ای SOV به عنوان ترتیب غالب جمله در فارسی نو باعث شده تا این زبان، زبانی هسته‌پایانی تلقی شود؛ اما بررسی ساخت درونی برخی گروه‌های فارسی خلاف این را ثابت می‌کند. کریمی (۲۰۰۵) فارسی نو را از حیث هسته پایانی بودن و وجود ضمیر تهی شبیه به زبان‌های شرق آسیا می‌داند که SOV هستند؛ اما برخلاف آنها، ساخت موصولی هسته آغازی دارد.

زبان لاتین هر شش ترتیب سازه‌ای را داشته و در نتیجه دارای ترتیب سازه‌ای آزاد بوده است (روولت^{۳۰}، ۲۰۰۷: ۸). لاهوس و لامیروی^{۳۱} (۲۰۱۲) با مقایسه ترتیب سازه‌ای فرانسه، اسپانیایی و ایتالیایی بیان می‌کنند فرانسه بالاترین و اسپانیایی کمترین میزان دستوری‌شدگی^{۳۲} را در بین نوادگان لاتینی دارند. از همین رو، برخلاف آن دو، فرانسه دارای ترتیب سازه‌ای اصلی SVO است^{۳۳}. روولت (۲۰۰۷) نشان داده که فرانسه باستان نیز همچون لاتینی هر شش ترتیب سازه‌ای را دارا بوده؛ اما دلیل اینکه ترتیب سازه‌ای SOV از دوره میانه در جملات فرانسه ثابت شده است، حاصل اعمال وسیع فرآیند دستوری‌شدگی در این زبان است. هاسپلمت^{۳۴} (۱۹۹۸) عقیده دارد که دستوری‌شدگی در هر سطح، زبان را به سمت ثبات و رهایی از آزادی

³⁰ Rowlett

³¹ Lahousse & Lamiroy

³² grammaticalization: فرآیندی است که طی آن عناصر واژگانی زبان‌ها در طول تاریخ به امکانات

دستوری تبدیل می‌شوند یا اجزای دستوری ویژگی‌های دستوری جدیدی را کسب می‌کنند (نغزگوی کهن،

۱۳۸۹: ۱۴۹).

³³. دو ترتیب VOS (در متون اداری و جملات اسنادی‌شده) و OSV نیز با بسامد پایین در فرانسه وجود دارد

(لاهوس و لامیروی، ۲۰۰۳).

³⁴ Haspelmath

سازه‌ای پیش می‌برد. از این رو، امروزه فرانسه در بین زبان‌های منشعب از لاتینی ثابت‌ترین ترتیب سازه‌ای را دارد. لاهوس و لامیروی (۲۰۱۲) دلایل ثبات ترتیب سازه‌ای SVO در فرانسه نو را ثابت‌شدن مفعول در جایگاه پس‌فعلی در قرن ۱۳، ثابت‌شدن فاعل در جایگاه پیش‌فعلی در قرن ۱۴ و به تبع آن حذف کامل ویژگی ضمیراندازی^{۳۵} این زبان در قرن ۱۶ میلادی می‌دانند. روولت (۲۰۰) پیش‌بینی می‌کند که زبان‌هایی که ترتیب سازه‌ای SVO دارند، هسته‌آغازی هستند. وی فرانسه را نیز زبانی هسته‌آغازی می‌داند که سازه‌های درون‌گروه آن از الگوی ترتیب سازه‌های جمله پیروی می‌کنند^{۳۶}. بر این اساس قابل‌پیش‌بینی است که در ساخت موصولی این زبان نیز هسته (اسم) پیش از وابسته (بند موصولی) قرار گیرد.

۳.۵. تحلیل مقابله‌ای ساخت موصولی

در این بخش، ابتدا به ویژگی‌های هسته و سپس نشانه موصول دو زبان اشاره خواهد شد. در بخش سوم، بند موصولی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در آخرین بخش نیز خروج بند موصولی تحلیل می‌شود.

۳.۵.۱. هسته

فارسی و فرانسه هر دو نوع بند موصولی؛ یعنی بند بدون هسته (مثال ۱) و هسته‌دار را دارند. مثل سایر زبان‌ها، در این دو زبان نیز اهمیت بندهای هسته‌دار بیش از بدون هسته است. از این رو، تنها به ذکر مثالی از بندهای بدون هسته در دو زبان اکتفا می‌شود.

- مثال ۱) الف) [هر چه دوست داری] انتخاب کن. a) Choisis [ce qui te plaît]
- ب) [هرکسی هستی] نمی‌توانی وارد b) [Qui que tu sois] tu ne peux pas rentrer!
- شوی.

همان‌گونه که اشاره شد دو معیار جهانی برای بررسی بندهای موصولی هسته‌دار وجود دارد. هر دو زبان بر اساس معیار نخست (جایگاه هسته) دارای ساخت موصولی هسته‌بیرونی هستند و هسته همواره خارج از

^{۳۵} pro-drop: زبان‌های دنیا در دو گروه عمده زبان‌های ضمیرانداز یا فاعل تهی و غیر ضمیرانداز قرار می‌گیرند. زبان‌های غیر ضمیرانداز مانند انگلیسی و فرانسوی در بندهای زمان‌دار الزاماً ضمیر فاعلی با نمود آوایی دارند، در حالی که زبان‌های ضمیرانداز مانند ایتالیایی و فارسی در چنین بندهایی دارای ضمیر فاعلی ناملفوظ هستند (متولیان نائینی، ۱۳۹۵: ۱۳۶).

^{۳۶} به نقل از روولت (۲۰۰۷: ۱۲۳) پژوهش (Moreau, 1987) نشان می‌دهد در فرانسه گفتاری تنها ۷۰ درصد از جملات دارای ترتیب SVO هستند.

بند موصولی ظاهر می‌شود. معیار دوم مربوط به نقش دستوری هسته ساخت موصولی است. کینان و کامری (۱۹۷۷) فارسی را زبانی می‌دانند که در تمام جایگاه‌ها امکان موصولی‌سازی دارد^{۳۷}؛ طبق نظر آنها فرانسه نیز به جز جایگاه مفعول تفضیلی در سایر جایگاه‌ها امکان موصولی‌سازی دارد. براین اساس، طبق جدول (۲) زبان‌آموزان فارسی‌زبان در این رابطه با تفاوت چشمگیری در موصولی‌سازی فرانسه سروکار ندارند.

جدول ۲- رفتار فارسی و فرانسه در سلسله مراتب دسترسی گروه اسمی^{۳۸}

۵	۴		۳		۲	۱	
مفعول تفضیلی	اضافی	متمم	مفعول غیرمستقیم	مفعول مستقیم	فاعل	نقش دستوری هسته	
*	+	+	+	+	+	فارسی	
-	+	+	+	+	+	فرانسه	

برای درک بهتر جدول (۲) در ادامه، مثال‌هایی با ۴ نقش دستوری هسته ارائه شده است^{۳۹}. ابتدا مثال‌های فارسی و سپس مثال‌هایی از فرانسه ارائه می‌شود:

مثال (۲) مردی (فاعل) که Ø (فاعل) کفش زرد به پا دارد [داور است.

مثال (۳) من مردی (مفعول) را [که شما او را/Ø (مفعول) تشویق کردید [می‌شناسم.

مثال (۴) کتابم را به دوستم (متمم) [که جایزه به او (متمم) تعلق گرفت [هدیه دادم.

مثال (۵) لامپ اتاقی (اضافی) را [که پنجره‌اش (اضافی) قهوه‌ای است [تعویض کردم.

Exemple **Le chien** (suj) [qui chasse le chat] mord la fille.

6)

^{۳۷} طبق نظر کینان و کامری (۱۹۷۷) مفعول تفضیلی فارسی یا مفعول مستقیم و یا مفعول غیرمستقیم جمله است؛ در نتیجه جایگاه متمایزی نسبت به آنها نیست.

^{۳۸} در تمام جداول مقایسه‌ای، رفتارهای متفاوت دو زبان با رنگ خاکستری مشخص شده‌اند.

^{۳۹} برخی مثال‌های فرانسه برگرفته از دلانو و دیگران (۱۳۹۷) است.

Exemple Le chien mord **le chat**(obj) [que la fille embrasse]

7)

Exemple Il y a souvent des concerts dans **l'église**(Com) [en face de laquelle
8) j'habite].

Exemple l'écran de mon **téléphone portable**(Gen) [dont je suis satisfait] est
9) bien lisible.

یکی دیگر از ویژگی‌های جهانی ساخت موصولی این است که در بسیاری از زبان‌های دنیا نقش دستوری هسته در بند اصلی می‌تواند با نقش دستوری آن در بند موصولی متفاوت باشد. این ویژگی جهانی در هر دو زبان فارسی و فرانسه نیز دیده می‌شود. در ادامه برای نشان دادن این ویژگی مثال‌هایی از فارسی و سپس فرانسه ارائه می‌شود^{۴۰}:

مثال الف) مردی (فاعل) [که آنها او را/Ø (مفعول) تشویق می‌کنند] داور است. (فاعلی-مفعولی)
(۱۰)

ب) علی (فاعل) [که استاد به او (متمم) هدیه داد] به کلاس نیامد. (فاعلی-متممی)
پ) دانشجویی (فاعل) [که کتابش (اضافی) چاپ شده بود] به نمایشگاه کتاب رفت. (فاعلی-
اضافی)

مثال الف) من داوطلبی (مفعول) را [که Ø (فاعل) رتبهٔ اول کنکور شد] می‌شناسم. (مفعولی-فاعلی)
(۱۱)

ب) من دونه‌ای (مفعول) را [که مدال به او (متمم) تعلق گرفت] می‌شناسم. (مفعولی-متممی)
پ) من استادی (مفعول) را [که کتابش (اضافی) چاپ شد] می‌شناسم. (مفعولی-اضافی)

مثال الف) من کتابم را به استادی (متممی) [که Ø (فاعل) مدیر گروه است] هدیه دادم. (متممی-فاعلی)
(۱۲)

ب) کتابم را به دوستم (متمم) [که او را/Ø (مفعولی) به جشن دعوت کرده بودم] هدیه
دادم. (متممی-مفعولی)

پ) کتابم را به علی (متممی) [که کتابش (اضافی) را گم کرده] قرض دادم. (متممی-اضافی)

^{۴۰} با توجه به حجم مقاله و براساس میزان تنوع بندهای موصولی، در ادامه پژوهش تنها روی بندهای موصولی پرکاربرد؛ یعنی دو زبان فاعلی، مفعولی و متممی متمرکز می‌شویم.

- Exemple 13) a) **Le chat**_(suj) [que le chien chasse] girffe la fille.
 b) C'est **mon ami**_(suj) [avec qui je vais souvent faire du vélo].
 c) C'est **mon étudiantes**_(suj) [chez qui nous sommes invites].
- Exemple 13) a) Le chien mord **la fille**_(obj) [qui embrasse le chat].
 b) j'ai acheté **un ordinateur**_(obj) [dont je suis très satisfait].
 c) j'ame beaucoup **les cousins**_(obj) [chez qui nous sommes invites samedi].
- Exemple 13) a) on a interrogé les **étudiantes**_(com) [lesquels ont donné différentes versions des faits].
 b) Nous avons écrit à **nos amis**_(com) [que nous voyons très rarement].
 c) Je suis content de mon **téléphone portable**_(com) [dont l'écran est très lisible].

جدول ۳- مقایسه ویژگی‌های هسته براساس جهانی‌ها

فرانسه	فارسی	جهانی‌ها	ویژگی هسته
+	+	هسته‌دار	وجود / عدم وجود
+	+	بدون هسته (آزاد)	
-	-	هسته درونی	جایگاه
+	+	هسته بیرونی	

همان‌گونه که جداول (۲) و (۳) و مثال‌های این بخش نشان می‌دهد، ساخت موصولی دو زبان از منظر ویژگی‌های هسته شباهت رفتاری زیادی به هم دارد، طبق اصول فرضیه تحلیل مقابله‌ای چنین شرایطی مانع از بروز انتقال منفی در فرآیند یادگیری ساخت موصولی فرانسه برای فارسی‌زبانان می‌شود.

۳.۵.۲. نشانه موصول

نشانه موصول دو زبان دارای تفاوت‌های کیفی و کمی است. فارسی تنها یک نشانه موصول دارد (که) این نشانه در تمام ساخت‌های موصولی به صورت یکسان به کار می‌رود. استاجی (۱۳۸۹) می‌گوید حرف «که»

فارسی نو نقش‌های ضمیر پرسشی، نشانهٔ بند موصولی، نشانهٔ بند متممی، حرف ربط، ضمیر مبهم و قید تکرار را دارد. در فارسی باستان و میانه چنین حالتی نبوده و نقش‌نماهای متفاوتی برای کارکردهای فوق وجود داشته است (سهیلی اصفهانی، ۱۹۷۶: ۱۸۸). اکثر زبان‌شناسان حرف «که» ابتدای بند موصولی فارسی را یک متمم‌نما در نظر می‌گیرند و اعتقاد دارند که با توجه به تعریف جهانی ضمیر موصولی، چنین ضمیری در فارسی وجود ندارد.^{۴۱}

اکینچی^{۴۲} (۲۰۱۸) به نقل از بویون و پینسونال (۲۰۰۸) می‌گوید فرانسه نشانه‌های موصول ساده و مرکب دارد. نشانهٔ موصول ساده جایگزین یک گروه اسمی می‌شود: در مثال زیر، *que* جایگزین گروه اسمی *Les herons* شده است:

Exemple 14) *Les hérons sont les oiseaux [que Clara préfère]*

نشانهٔ موصول مرکب جایگزین یک گروه حرف اضافه‌ای می‌شود: در مثال زیر، *dont* جایگزین گروه حرف اضافه‌ای *de cet ami* شده است:

Exemple 15) *Nous avons un ami américain [dont le nom de famille est d'origine française].*

آرسنئا و همکاران^{۴۳} (۲۰۱۸) عقیده دارند عمده‌ترین اشتباه رایج زبان‌آموزان فرانسه به‌عنوان زبان دوم، مربوط به تعمیم افراطی کاربرد *que* در ساخت‌هایی است که نیاز به سایر نشانه‌های موصول است. نشانهٔ موصول فرانسه برخلاف فارسی که تنها بند موصولی را به بند اصلی درونه می‌کند، نقش دومی نیز دارد. این نشانه درون بند موصولی نیز دارای نقش دستوری است. بر همین اساس، نشانهٔ موصول، در این زبان ضمیر موصولی است. در نتیجه، تولید ضمیر موصولی در جایگاه آغازین بند موصولی فرانسه مستلزم اعمال دو فرآیند نحوی است (باتی و همکاران^{۴۴}، ۲۰۰۰: ۲۰۸):

الف) جایگزینی گروه (اسمی یا حرف اضافه‌ای) با یک ضمیر.

^{۴۱} ماهوتیان (۱۳۸۷) بدون ارائهٔ استدلالی حرف «که» را ضمیر موصولی می‌داند.

^{۴۲} Akinci

^{۴۳} Arseneau & et al.

^{۴۴} Battye & et al.

ب) حرکت ضمیر به جایگاه آغازین بند.

باین حال، بررسی بند موصولی فرانسه نشان می‌دهد که در برخی بندها نشانه موصول، متمم‌نما است؛ به عبارت دیگر، نشانه موصول فرانسه براساس نقش دستوری هسته بند موصولی به صورت ضمیر موصولی یا متمم‌نما ظاهر می‌شود^{۴۵} (جیسا و کرن^{۴۶}، ۱۹۹۸: ۶۳۸).

فاعل: هر زمان هسته بند موصولی دارای نقش فاعلی باشد، از نشانه **qui** در ابتدای بند استفاده می‌شود (جیسا و کرن، ۱۹۹۸: ۶۲۷). این نشانه در این کاربرد، نسبت به مؤلفه‌های جاننداری، انسان، جنسیت و شمار حساسیت ندارد.

Exemple16) a) le fermier [**qui** nourrit le chat]

b) le livre [**qui** se trouve sur la table]

مفعول مستقیم: هر زمان هسته بند موصولی دارای نقش مفعولی باشد، از نشانه **que** در ابتدای بند استفاده می‌شود (جیسا و کرن، ۱۹۹۸: ۶۲۷). این نشانه نیز همچون **qui** نسبت به مؤلفه‌های جاننداری، انسان، جنسیت و شمار حساسیت ندارد.

Exemple17) a) le fermier [**que** le garçon regarde]

b) le livre [**que** le garçon lit]

دیکنز^{۴۷} (۲۰۱۸: ۲۲) می‌گوید **qui** و **que** در بند موصولی فرانسه مشابه **that** در بند موصولی انگلیسی بوده و در نتیجه متمم‌نما هستند نه ضمیر موصولی. او به نقل از روولت (۲۰۰۷) می‌گوید نشانه **que** تنها برای مفعول مستقیم به کار می‌رود و در ابتدای بندهایی که مفعول غیرمستقیم یا متممی دارند، جمله غیردستوری می‌سازد:

Exemple18) *La table [**sur que** tu mets le chapeau] est grande.

^{۴۵}. علاوه بر این موارد، ضمیر موصولی **ou** برای موصولی‌سازی اسم مکان و زمان در فرانسه به کار می‌رود.

^{۴۶} Jisa & Kern

^{۴۷} Dickens

براساس نظر باتی و همکاران (۲۰۰۰) نیز **que** متمم‌نما است چراکه در ابتدای بندهای متممی خبری تحدیدی فرانسه مورد استفاده قرار می‌گیرد (مثال ۱۴)^{۴۸}. آنها اعلام می‌کنند در حالتی که بند وابسته فاعل محذوف داشته باشد، **qui** نیز متمم‌نما است (مثال ۲۰):

Exemple 19) **Quel homme politique dis-tu [Que le premier ministre a critique]**?

Exemple 20) **Quel homme politique dis-tu [Qui a critique le premier ministre]**?

دیکنز (۲۰۱۸) نقل می‌کند که زبان‌شناسان زیادی میان دو نوع کلمه **qui** در فرانسه تفاوت قائل شده‌اند. به نظر آنها **qui** در ابتدای بند موصولی با هسته فاعلی و در ابتدای بندهای متممی با فاعل محذوف با **qui** در ابتدای بند موصولی با هسته متممی و ضمیر پرسشی (با معنی چه کسی) متفاوت است. این دو تنها هم‌آوا هستند؛ اولین **qui** متمم‌نماست؛ اما دومی ضمیر موصولی است. براین اساس، **qui** در کاربرد اول به‌عنوان متمم‌نما، تکواژگونه‌ای از **que** محسوب می‌شود. دیکنز (۲۰۱۸) نیز چنین استدلال می‌کند که در بندهای موصولی با هسته فاعلی و مفعولی، **qui** و **que** متمم‌نما هستند و در جایگاه هسته CP تولید می‌شوند. در این بندها، عملگر موصولی به‌عنوان ضمیری ناملفوظ نیز به جایگاه مشخصه‌گر CP منتقل می‌شود.

متمم: به عقیده دافلر (۲۰۱۷) بند موصولی با هسته متممی دارای دو نوع ضمیر موصولی است. نوع اول، **qui** دارای مؤلفه‌های [+جاندار + انسان] است (مثال ۱۶). نوع دوم که حساسیتی به دو مؤلفه فوق ندارد، ضمیر **lequel** و تکواژگونه‌های آن است (مثال ۱۷)؛ انتخاب از بین چهار تکواژگونه **lequel** براساس شمار و جنسیت هسته تعیین می‌شود: **lequel** (مفرد مذکر)، **laquelle** (مفرد مؤنث)، **lesquels** (جمع مذکر) و **lesquelles** (جمع مؤنث).

Exemple 21) **L'homme [sur qui tu mets le chapeau] est grand.**

^{۴۸} در بندهای متممی غیر تحدیدی، بند درونه یا متمم‌نما ندارد و یا از **de** و **à** به جای **que** استفاده می‌کند (باتی و همکاران، ۲۰۰۰: ۱۹۳).

Exemple 22) **Le bureau** [sur lequel tu mets le chapeau] est grand.

نکته قابل توجه این است که در مثال‌های فوق، ضمیر موصولی جایگزین یک گروه حرف اضافه‌ای شده است. در چنین شرایطی، دو حالت ایجاد می‌شود؛ در حالت اول، همچون مثال‌های فوق، ضمیر موصولی تنها می‌تواند جایگزین وابسته گروه حرف اضافه‌ای؛ یعنی گروه اسمی شود؛ اما هسته همچنان باقی می‌ماند. در چنین حالتی تنها می‌توان از ضمائر موصولی **Lequel** و **Qui**، **Quoi** استفاده کرد. در این حالت، ضمیر موصولی لزوماً حرف اضافه مجاور خود را نیز با خود به ابتدای بند می‌آورد؛ به عبارت ساده، برخلاف انگلیسی که دو فرآیند «حرکت کل سازه» و «پیش‌اضافه ابقایی»^{۴۹} را همزمان دارد، فرانسه تنها حرکت کل سازه را دارد^{۵۰}:

Exemple 23) a) L'homme [sur qui tu mets le chapeau] est grand.

b) *L'homme [qui tu mets le chapeau sur] est grand.

نکته دیگر اینکه هر زمان یکی از دو حرف اضافه **à** و **de** همراه با ضمیر موصولی به ابتدای بند منتقل شوند و پیش از ضمیر قرار گیرند، با حروف تعریف **le** و **les** در ابتدای ضمیر موصولی ترکیب شده و ۶ شکل زیر را برای نشانه موصول می‌سازند:

auquel (à + lequel)/ **auxquels** (à + lesquels)/ **auxquelles** (à + lesquelles)

desquelles (des + lesquelles)/ **desquels** (des + lesquels)/ **duquel** (de + lequel)

در حالت دوم، کل گروه حرف اضافه‌ای (که هسته آن لزوماً **de** باشد) به وسیله یک ضمیر جایگزین و به ابتدای جمله حرکت می‌کند. در این حالت از نشانه موصولی **Dont** استفاده می‌شود (مثال ۹).

^{۴۹} preposition stranding: اشاره به ساختاری نحوی دارد که حرف اضافه از مفعول خود جدا شده و به انتهای

جمله منتقل می‌شود. این فرآیند در زبان‌های شاخه ژرمنی همچون انگلیسی متداول است:

whom did you buy the book for?

^{۵۰} به اعتقاد لاهوس و لامیروی (۲۰۱۲) اگرچه در گونه معیار فرانسه ساختار پیش‌اضافه ابقایی دیده نمی‌شود؛ اما

در برخی گویش‌های این زبان چنین شواهدی دیده می‌شود:

Qui est-ce que tu as fait le gâteau **pour**?

جدول ۴- مقایسهٔ ویژگی‌های نشانه موصول براساس جهانی‌ها

ویژگی نشانه موصول	جهانی‌ها	فارسی	فرانسه
طبقهٔ کلام	متمم‌نما	+	+
	ضمیر موصولی	-	+
مطابقه با هسته	ثابت	+	+
	متغییر	-	+

با توجه به داده‌های جدول (۴) یکی از سازه‌های مشکل در فرآیند یادگیری ساخت موصولی فرانسه برای زبان‌آموزان فارسی‌زبان، نشانهٔ موصول است. رفتار نشانهٔ موصول فارسی در هر دو جنبهٔ جهانی با رفتار آن در فرانسه تفاوت دارد که این امر احتمال انتقال منفی و بروز خطا را افزایش می‌دهد. نشانهٔ موصول فارسی متمم‌نماست و هیچ مطابقه‌ای با هستهٔ ساخت موصولی ندارد؛ اما این نشانه در فرانسه به دو صورت متمم‌نما و ضمیر موصولی است و با توجه به ویژگی‌های هسته در شکل‌های گوناگونی ظاهر می‌شود.

۳.۵.۳. بند موصولی

در فارسی و فرانسه، بند موصولی در بند اصلی درونه می‌شود. از این رو، هر دو زبان از بین جهانی‌های جدول (۱)، دارای بند موصولی درونه هستند؛ علاوه بر این، بند موصولی در هر دو زبان پس از هستهٔ خود ظاهر می‌شود. این رفتار فرانسه مطابق با الگوی هستهٔ‌آغازی این زبان است؛ اما در فارسی که زبانی فعل پایانی است نیز بند موصولی برخلاف رفتار غالب زبان‌های فعل پایانی قوی همچون ژاپنی و باسک پس از هسته ظاهر می‌شود.

تمایز دیگر دو زبان مربوط به نحوی نمایش هسته درون بند موصولی است. همان‌گونه که اشاره شد، چهار راهبرد موصولی‌سازی وجود دارد. براساس نظر کینان و کامری (۱۹۷۷) فارسی از دو راهبرد خلأ و حفظ ضمیر استفاده می‌کند که انتخاب از بین آنها بستگی به نقش دستوری هسته درون بند موصولی دارد. هر زمان نقش هستهٔ بند موصولی متمم یا اضافی باشد، راهبرد حفظ ضمیر (مثال‌های ۴ و ۵) و هر زمان نقش آن فاعل باشد، راهبرد خلأ (مثال ۲) انتخاب می‌شود. در حالتی که هسته دارای نقش مفعول باشد نیز هر دو راهبرد

(مثال ۳) امکان پذیر است. در مقابل، فرانسه از راهبرد ضمیر موصولی استفاده می‌کند. بنابر نظر کامری و کوتوا (۲۰۰۵) راهبرد ضمیر موصولی بسامد کمی در زبان‌های دنیا دارد؛ اما اکثر زبان‌های اروپایی از این راهبرد استفاده می‌کنند. در این راهبرد، ضمیری که جانشین هسته بند اصلی شده است، در ابتدای بند موصولی ظاهر می‌شود که همزمان نقش هسته بند موصولی و نشانه موصول را دارد.

با توجه به ترتیب غالب سازه‌ای SOV، فارسی تنها بند موصولی چپ‌انشعابی دارد؛ زیرا در حالت بی‌نشان تمام موضوع‌ها پیش از فعل قرار دارند، در حالی که فرانسه هم راست‌انشعابی و هم چپ‌انشعابی دارد. ترتیب سازه‌ای بند موصولی فارسی همچون بند اصلی آن، همواره SOV است. در مقابل، براساس نظر دافلر (۲۰۱۷) هر زمان هسته بند موصولی فرانسه دارای نقش‌های مفعول مستقیم یا متممی باشد، ترتیب سازه‌ای بند موصولی هم به صورت OSV و هم به صورت OVS خواهد بود. در این حالت مفعول بند موصولی به شکل ضمیر موصولی que در ابتدای بند آمده و پس از آن فاعل و فعل قرار دارند:

Exemple a) le fermier [que le garçon regarde]
24)

b) le fermier [que regarde le garçon]

Exemple a) le fermier [avec lequel travaille le garçon]
25)

b) le fermier [avec lequel le garçon travaille]

جدول ۵- مقایسه ویژگی‌های بند موصولی براساس جهانی‌ها

فرانسه	فارسی	جهانی‌ها	
-	-	میان‌رو	جایگاه نسبت به هسته
-	-	پیش‌رو	
-	-	پس‌رو	

-	-	پیش اسمی	
+	+	پس اسمی	
-	-	متصل	نحوهٔ ساخت
+	+	درونه	
-	+	خلا	راهبرد موصولی سازی
-	+	حفظ ضمیر	
+	-	ضمیر موصولی	
-	-	گروه اسمی	
+	-	راست‌انشعابی	جایگاه نسبت به فعل
+	+	چپ‌انشعابی	
+	+	مشابه	ترتیب سازه‌ای
+	-	متفاوت	

جدول (۵) نشان می‌دهد که رفتار بند موصولی فارسی در دو جنبه از پنج جنبهٔ جهانی شبیه فرانسه و در سه جنبهٔ دیگر متفاوت است. با توجه با تأکید فرضیهٔ تحلیل مقابله‌ای بر اهمیت توجه به تفاوت‌های دو زبان در فرآیند یادگیری، تمایز میان راهبرد ضمیر موصولی فرانسه با دو راهبرد خلا و حفظ ضمیر فارسی برای زبان‌آموزان ضروری است؛ علاوه‌براین، ترتیب سازه‌ای متفاوت دو زبان دلیلی بر تفاوت جایگاه بند موصولی نسبت به فعل و همچنین متفاوت بودن ترتیب سازه‌ای بند موصولی نسبت به بند پایه در زبان فرانسه شده است.

۳. ۵. ۴. خروج بند موصولی

به نظر هاوکینز^{۵۱} (۲۰۰۴) ذهن انسان برای پردازش سریع تر ترجیح می دهد تا کمترین فاصله بین سازه های اصلی جمله (یعنی فاعل، مفعول و فعل) ایجاد شود. از نظر او، وزن بند موصولی مهم ترین عامل خروج آن و حرکت به انتهای جمله است. از این رو، ترتیب سازه ای در نحوه اعمال فرآیند خروج بند موصولی اهمیت پیدا می کند. هاوکینز می گوید در زبان های OV در صورت انتقال موضوع ها به جایگاه پس از فعل، جملات غیر دستوری می شوند؛ اما متمم ها اجازه چنین انتقالی را دارند؛ زیرا آنها جزء اطلاعات اجباری زیر مقوله ای فعل نیستند. بر این اساس، خروج بند موصولی با هر نقش دستوری در چنین زبان هایی ممکن و حتی از منظر روان شناختی در اولویت نیز است. به نظر او، در زبان های VO تنها موضوع فاعلی پیش از فعل قرار دارد. از این رو، پردازش وقتی آسان تر است که دو سازه بلا فصل فعل و فاعل کمترین فاصله را از یکدیگر داشته باشند. در نتیجه خروج بند موصولی با هسته فاعلی در چنین زبان های قابل پیش بینی است.

خروج بند موصولی در هر دو زبان فارسی و فرانسه رخ می دهد. فارسی به واسطه ترتیب سازه ای SOV اجازه خروج بند موصولی با هر نقش دستوری را می دهد؛ اما در فرانسه به عنوان زبانی SVO، محدودیت هایی دیده می شود. بر اساس نظر اسمیتس^{۵۲} (۱۹۸۹) خروج بند موصولی در فرانسه بستگی به دو عامل نوع بند موصولی و نقش دستوری هسته دارد؛ به عبارت دیگر، هسته با نقش دستوری فاعل تحت شرایط زیر اجازه خروج خواهد داشت:

الف) هسته اسمی بند موصولی نکره باشد. ب) کاربرد حرف تعریف نکره برای فاعل. پ) فعل بند اصلی مجهول باشد.

Exemple 26) **une enveloppe** a été délivrée, [que Jean ne veut pas ouvrir].

نکته آخر در مورد مقایسه ساخت موصولی، مربوط به بسامد کاربرد آنهاست. به اعتقاد جیسا و کرن (۱۹۹۸) ساخت موصولی فرانسه یکی از ساخت های پربسامد است که برای تأکید روی اسم موصولی سازی شده مورد استفاده قرار می گیرد. آنها اعلام می کنند که طبق اعلام باته و دوسکووی^{۵۳} (۲۰۰۹) در هر زبانی ساخت هایی که بسامد بالایی دراند، تبدیل به عادت زبانی می شوند. آنها در مقایسه پیکره زبان های فرانسه، ایتالیایی و انگلیسی اعلام کردند که ساخت موصولی یکی از عادات زبانی فرانسه است که به وفور در این زبان به کار

⁵¹ Hawkins

⁵² Smits

⁵³ Bates, E. Devescovi

می‌رود. طبق مثال زیر، جیسا و کرن (۱۹۹۸) نشان می‌دهند که در پاسخ به جملهٔ خبری c، انگلیسی‌زبان‌ها واژهٔ مؤکد car را از طریق تکیه نشان می‌دهند، در حالی که در فرانسه، در کنار تکیه‌دار اداکردن کلمهٔ *voiture* استفاده از بند موصولی بسامد بالایی دارد.

Exemple 28) a. C'est ma **voiture** qui est en panne

b. My **car** broke down

c. I heard your motorcycle broke down

۴. نتیجه‌گیری

نتایج تحلیل مقابله‌ای در پژوهش حاضر نشان می‌دهد که از میان سه سازهٔ هسته، نشانهٔ موصول و بند موصولی، بیشترین تفاوت دو زبان مربوط به نشانهٔ موصول است. رفتار دو زبان نسبت به جهانی‌های هستهٔ ساخت موصولی شبیه به هم است؛ هر دو زبان هم ساخت موصولی بدون هسته و هم هسته‌دار دارند. ساخت موصولی هسته‌دار هر دو زبان نیز هسته‌بیرونی است. اگر جایگاه مفعول تفضیلی را نادیده بگیریم، هر دو زبان، اسم با هر نوع نقش دستوری را هم موصولی‌سازی می‌کنند.

نشانهٔ موصول سخت‌ترین بخش ساخت موصولی فرانسه برای فارسی‌زبانان است. فارسی در تمام ساخت‌های موصولی نشانهٔ موصول (که) را به کار می‌برد. با توجه به معیارهای دستوری این نشانه متمم‌نماست. نقش دستوری، طبقهٔ کلام، جنسیت، شمار و سایر مقوله‌های دستوری هسته تغییر در شکل آن ایجاد نمی‌کند. در حالی که، در فرانسه با توجه به نقش دستوری هسته هم ضمیر موصولی و هم متمم‌نما در نقش نشانهٔ موصول ظاهر می‌شوند؛ علاوه‌براین، فرانسه از منظر ساختار نشانهٔ موصول نیز میان دو نوع نشانهٔ ساده و مرکب تمایز قائل می‌شود. این انتخاب نیز بستگی به نوع سازه‌ای دارد که نشانهٔ موصول در بند موصولی جایگزین آن می‌شود.

در رابطه با بند موصولی نیز دو زبان دارای شباهت‌ها و تفاوت‌هایی هستند. هر دو زبان بند موصولی پس‌اسمی دارند که درون بند اصلی قرار می‌گیرد. فرانسه هر دو بند موصولی راست‌انشعابی و چپ‌انشعابی را دارد، در حالی که فارسی تنها بند چپ‌انشعابی دارد. ترتیب سازه‌ای بند موصولی فارسی تفاوتی با سایر بندهای این زبان ندارد، در حالی که در فرانسه بند موصولی علاوه‌بر ترتیب سازه‌ای غالب سایر بندها، دو نوع ترتیب سازه‌ای دیگر را نیز دارد. در نهایت، راهبرد موصولی‌سازی فرانسه تنها شیوهٔ ضمیر موصولی است؛ اما فارسی

از دو شیوهٔ خلأ و ضمیر ابقایی استفاده می‌کند. علاوه بر موارد فوق، محدودیت‌های خروج بند موصولی زبان فرانسه هم به دلیل ترتیب سازه‌ای این زبان (فعل میانی) و هم براساس برخی مؤلفه‌های معنایی هسته و دستوری فعل اصلی بیش از محدودیت‌های خروج بند موصولی در فارسی است.

براساس یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت که در مجموع میزان شباهت ساخت موصولی فارسی با فرانسه بیش از میزان تفاوت آن است و در نتیجه طبق اصول فرضیهٔ تحلیل مقابله‌ای، مدرسان و زبان‌آموزان فرانسه می‌توانند با تمرکز بر تفاوت‌های ذکر شده از بروز انتقال منفی پیشگیری کرده و فرآیند یادگیری ساخت موصولی فرانسه را تسهیل بخشند. شایان ذکر است که در پژوهش حاضر تنها به مقایسهٔ معیارهای رده‌شناختی ساخت موصولی از جنبهٔ نحوی در این دو زبان اشاره شد و با توجه به بسامد کاربرد بالا و اهمیت این ساخت دستوری، می‌طلبد که پژوهشگران علاقه‌مند به جزئیات هر کدام از معیارهای فوق ورود کرده و با ذکر ویژگی‌های دو زبان فارسی و فرانسه نکات جدیدی ارائه کنند.

منابع

- استاجی، اعظم. (۱۳۸۹). بررسی تاریخی کارکردهای چندگانه که در فارسی امروز. مجلهٔ زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان دانشگاه فردوسی مشهد، ۲ (۳)، ۱۳-۱.
- البرزی، پرویز، و رئیس، رعنا. (۱۳۸۸). بررسی سیر تحول زبان‌شناسی مقابله‌ای. نقد زبان و ادبیات خارجی، ۳ (۲)، ۷۴-۵۵.
- پهلوان‌نژاد، محمدرضا و رسول‌پناه، حسین. (۱۳۹۳). بررسی مقایسه‌ای ساختار و نقش صفت در زبان‌های فارسی و فرانسه. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، ۱ (۴)، ۲۰-۵.
- دبیرمقدم، محمد. (۱۳۹۲). رده‌شناسی زبان‌های ایرانی. جلد اول. تهران: سمت.
- دلانو، یامی. (۱۳۹۷). گرامر کامل زبان فرانسه. ترجمهٔ پریسا قبادی اصل. تهران: انتشارات دانشیار.
- راسخ‌مهند، محمد. (۱۳۹۳). توالی نامتقارن هسته و بند موصولی در زبان فارسی. مجموعه مقالات همایش نهم زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی. به کوشش محمد دبیرمقدم. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- رضایی، رضا. و کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه. (۱۳۹۷). بررسی مقابله‌ای نظام اعداد در زبان فارسی و فرانسه. پژوهش‌های زبان و ترجمهٔ فرانسه، ۱ (۱)، ۴۱-۱۹.
- سوقانی، مژگان؛ مدرسی، یحیی. و شعیری، حمیدرضا. (۱۳۹۹). بررسی اسنادی‌سازی از منظر ساخت اطلاع در ترجمهٔ متون فرانسه به فارسی. پژوهش‌های زبان و ترجمهٔ فرانسه، ۲ (۳)، ۴۱-۱۹.

- شریفی، شهلا. (۱۳۸۷). آرای هاوکینز در حوزهٔ رده‌شناسی آرایش واژه‌ها و بررسی انطباق یا عدم انطباق این آرا بر آرایش واژه‌ها در زبان فارسی. *زبان و زبان‌شناسی*، ۴ (۷)، ۷۸-۹۶.
- شعیری، حمیدرضا؛ ترابی، ندا. و پریش، صفا. (۱۳۹۴). بیان نمود لحظه‌ای-تداومی در دو زبان فرانسه و فارسی. *مطالعات زبان فرانسه*، ۱۲ (۷)، ۵۵-۶۴.
- گشمردی، محمودرضا. و قناعت، صبوره. (۱۳۹۲). تأثیر زبان فارسی بر کاربرد نادرست ضمائر بطنی فرانسه. *مطالعات زبان و ادبیات فرانسه*، ۱ (۴)، ۲۹-۴۰.
- ناتل خانلری، پرویز. (۱۳۷۴). تاریخ زبان فارسی. تهران: نشر سیمین.
- ماهوتیان، شهرزاد. (۱۳۸۷). دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناختی. ترجمهٔ مهدی سمایی. تهران: نشر مرکز.

- Akinci, M. (2018). Relative clauses in the written texts of French and Turkish bilingual and monolingual children and teenagers. *The Rouen Meeting of Studies on Turkic Structures and Language Contact*. Akinci.M. Yagmur.A. Harrassowitz Verlag. 217-230.
- Arseneau, R., Foucambert. D., & Lefrançois. P. (2018). Improving the mastery of relative clause in French L1 secondary classes: the effects of an intervention based on verbal interactions on written syntactic structures. *Educational Studies in Language and Literature*, 18 (1), 1-29.
- Battye, A., Marie, A., & Rowlett, P. (2000). *The French Language Today*. London: Routledge.
- Comrie, B. (1981). *Language Universals and Linguistic Typology Syntax and Morphology*. Oxford: Basil Black Well.
- Croft, W. (2003). *Typology and Universals*. 2nd edition. university of Manchester. Cambridge.
- Dickens, K. (2018). *The Acquisition of Relative Clause Structures in L2 French*. A thesis submitted to the Faculty of the University of Delaware in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Arts in Foreign Languages and Pedagogy.
- Duffeler, M. (2017). *The Comprehension of Relative Clauses by Romance Learners of English: Syntactic and Semantic Influences*. LOT.
- Fox, B., & Thompson, S. (2007). Relative Clauses in English conversation: Relativizers, frequency and the notion of construction. *Studies in Language*, 31 (2), 293-326.
- Greenberg, J. (1991). [Typology/universals and second language acquisition](#). *Cross Currents in Second Language Acquisition and Linguistic Theory*. Edited by Heubner,Th. Ferguson, Ch. Jhon Benjamin Publication Company.
- Haspelmath, M. (1998). Does Grammaticalization need reanalysis? *Studies in Language*. 2 (22), 315-351.

- Hawkins, J. (2004). *Efficiency and Complexity in Grammars*. Oxford: Oxford University Press.
- Jisa, H., & Kern, S. (1998). Relative clauses in French children's narrative texts. *Child Language*, 3 (25), 623-652.
- Karimi, S. (2005). *A minimalist approach to scrambling: Evidence from Persian*. Germany: Mouton de Gruyter.
- Keenan, E. (1985). Relative Clauses. In *language typology and syntactic description; complex construction*. Shopen, T. US: Linguistic Society of America.
- Keenan, E., & Comrie, B. (1977). Noun phrase accessibility and universal grammar. *Linguist Inquiry*, 8 (1), 63-89.
- Krzyszowski, T. (1990). *Contrasting Languages; The Scope of Contrastive Linguistics*. New York: Mouton de Gruyter.
- Kroeger, R. (2005). *Analyzing Grammar: An Introduction*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Lahousse, K., & Lamiroy, B. (2012). Word order in French, Spanish and Italian: A grammaticalization account. *Folia Linguistica*, 46 (2), 387-415.
- Lehman, W. (1973). A structural principle of language and its implication. *Language*, 4 (49), 47-66.
- Mair, CH. (2018). Recent Advances in Contrastive Linguistics and Language Typology: The Spin-off for language teachers. In *linguistics, language learning and language teaching*, 2 (12), 21-41.
- Marashi, M. (1970). *The Persian verb: A partial description for pedagogical purposes*. Unpublished doctoral Dissertation. University of Texas, Austin.
- Nikolaeva, I. (2006). Relative Clauses. *Encyclopedia of Language & Linguistics*, 3 (14), 501-508.
- Ramat, A. (2008). Typological Universals and Second Language Acquisition. In *Universals of Language Today*. Scalise S. Magni E. Bisetto A. Berlin: Springer, 1-20.
- Rowlett, P. (2007). *The Syntax of French*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Soheili-esfahani, A. (1976). *Noun phrase complementation in Persian*. Doctoral dissertation. university of Illinois, Urbana.
- Walz, J. (1983). The Relative pronouns in French; Empirical research. *The French Review*, 54 (5), 643-654.